

افسانه‌گرایی در سعدی

عباس میلانی * مریم میرزاده

فهرست

- ۹ سرآغاز تجدد
- ۱۲ روش ما در شناخت سعدی
- ۱۷ سعدی و وعظ
- ۲۴ سعدی، درویشان و انسان‌گرایی
- ۲۷ سعدی و تجددخواهان ایرانی
- ۳۳ تجدد و انسان‌گرایی در میدان نظر
- ۴۵ سعدی و انسان‌گرایی و رمان
- ۴۹ روش سعدی بسان انسان‌گرایی او
- ۶۵ سعدی و وزن
- ۷۶ طنز در سعدی
- ۸۶ سعدی و زیبایی
- ۹۰ سعدی و عشق و انسان‌گرایی
- ۹۸ سعدی و سیاست
- ۱۰۷ سعدی و اندیشه‌های ایران باستان
- ۱۱۷ سعدی و سیرت پادشاهان
مدخلی بر بحث سعدی و تجدد
- ۱۴۵ فهرست

سرآغاز تجدد

در واپسین سال‌های سده نوزدهم، ژوزف بورکهارت، مورخ نامی سویسی و از دوستان انگشت‌شمار نیچه، در کتابی دربارهٔ دگرگونی‌های سده‌های پانزدهم و شانزدهم ایتالیا، برای نخستین بار مفهوم «فرهنگ نوزایش» را به‌کار بست. کتابش را همچنان از برجسته‌ترین و ماندگارترین بررسی‌های سرشت نوزایش و گذار به تجدد می‌دانند.^۱ اما در این سال‌ها، کاربرد واژه نوزایش را، رها از شاخ و برگ فلسفی و برکشیدن آن به‌گونه مفهومی تاریخی، به چند سده پیش از بورکهارت باز گردانیده‌اند. می‌گویند یکی از نقاشان نامدار زمان نوزایش، واساری، نخستین کسی بود که در سال ۱۵۵۰ در کتابی پیرامون نقاشی این واژه را به‌کار برده است.^۲

نخستین جوانه‌های این نوزایش اروپایی، کمابیش از سده سیزدهم پدیدار شده بود. مایهٔ بنیادی این «نوزایش» گونه‌ای تازه از انسان‌گرایی (اومانیزم) بود و همزادش مفهومی تازه از

1. Jacob Burckhardt, *The Civilization of the Renaissance*, translated by S.G.C Middlemoore, (New York, 1969).

2. Stephen Greenblatt, "A Man in Constant Motion", *New York Review of Books*, May 10, 2018.

شناخت. همین انسان‌گرایی و نوزایش در آینده به پدیدهٔ تجدّد (مدرنیته) دگرگون شد. به گمان بسیاری از اندیشمندان، این تجدّد، در زمینه‌های به‌هم پیوستهٔ اقتصاد، سیاست، زیبایی‌شناسی، شناخت و دین، مهم‌ترین و ژرف‌ترین دگرگونی را در ذهن و زبان انسان‌ها و در روابط اجتماعی پدید آورد. دریافت ما از انسان و پایگاهش در طبیعت، جایگاه زمین در جهان، پیوند خرد و وحی، تعریف ما از شناخت و علم و روش دستیابی و ارزیابی علمی را دگرگون ساخت.^۳

اندیشمندان و هنرمندان، نویسندگان و شاعران، معماران و مقاله‌نویسانی که هریک در گوشه‌ای کار خویش می‌کردند و هیچ‌کدام هم نمی‌دانستند که «متجدّد» اند، همه در پایان کار، بنای استوار تجدّد را پی ریختند. در دوران نوزایش، یافتن کتاب‌های کمیاب کهن سودایی همه‌گیر شده بود. کارمند کلیسایی که دلال کتاب شده بود، با یافتن نسخهٔ نایابی از کتاب لوکرتیوس - که ترجمهٔ فارسی‌اش دربارهٔ طبیعت^۴ نام دارد - کاری بنیادی در برانداختن اندیشهٔ قرون وسطایی مسیحی کرد. پایه‌های انسان‌گرایی و شناخت‌شناسی نوین بر ویرانهٔ همان اندیشه‌های قرون وسطایی ساخته شد.^۵ به دیگر سخن، این واقعیت که او (و به طریق اولی لوکرتیوس) و دیگر پیشروان تجدّد، هرگز در زمان زندگی خود واژهٔ تجدّد را نشنیده بودند، آنها را از این فرآیند دوران‌ساز کنار نمی‌گذارد. سعدی هم که دست‌کم دو‌ست سال پیش از اوج نوزایش غرب می‌زیست، به گمان ما، از پیشگامان تجدّد در

3. Anthony Giddens, *The Consequences of Modernity*, (London, 1990); Leszek Kolokowski, *Modernity on Endless Trial*, (Chicago, 1990); Ernest Cassirer, *The Philosophy of Enlightenment*, (Tr. by C. A. Koellin and James Peter Grove, (New York, 1951).

۴. میرجلال‌الدین کزازی (مترجم)، دربارهٔ طبیعت، اثر: لوکرتیوس، (تهران: انتشارات معین، ۱۳۹۰).

5. Stephen Greenblatt, *the Swerve: How the World Became Modern*, (New York, 2012).

ایران و جهان بود. او نیز بی‌آنکه نامی از تجدّد شنیده باشد، در کنار کسانی چون بیهقی و بیرونی، ابن‌سینا و رازی، خیام و نظامی، نطفه‌هایی از تجدّد ایرانی را، پیش از آغاز این دوران در غرب، در نوشته‌های خود بر جای گذاشتند.

اما به دلایلی که برخی از آنها را خواهیم گفت، بزرگی و ارج این روند و به طریق اولی سرشت نوآور نوشته‌های سعدی، در خرمی از گمانه و افسانه، خرافه و جزم پنهان مانده است. این باورها، نمودی غرب‌ستیز دارند ولی در نهمان غرب‌ستایند. نسخه‌های کتاب لوکرتیوس نایاب بود و بازیابی‌اش مایهٔ نوزایش و تجدّد شد. دربارهٔ سعدی هم گرچه نسخه‌های نوشته‌هایش به پایه‌های ناهمگونی از درستی در دسترسند، اما انگار به بازیابی‌اش نیازمندیم. بازخوانی سعدی، به دیدی تازه و رها از روایات پیشین، چیزی کمتر از یافتن دوبارهٔ نوشته‌ای برجسته اما گمشده نیست. تجدّد راستین ایرانی، که چندی است در کشور گسترش یافته است، نه شیفته و مرعوب ناآگاه غرب است، نه دلزده به همان اندازه ناآگاه از سنت ایران. نه دلباختهٔ جزم‌اندیش و نه منکر نقش اسلام است. با بهرهٔ آیین مهر و مانی و زرتشت، در ساختن ذهن و زبان ایرانی و دین‌های ابراهیمی هم آشنا است.^۶ چنین تجدّدی تنها با بازیابی و شناخت تقادانهٔ سنت ایران شدنی است. چنین شناختی در عین اشراف بر سنت ایران باید دستاوردهای نقد و نظر امروزی جهانی را هم بشناسد. شناخت ژرفای سنت ایران بدون بازخوانی سعدی، کاری سخت دشوار است. برکشیدن جایگاه اندیشهٔ او در ساختن بخشیدن به زبان فارسی و فرهنگ ایران و گسترانیدن اندیشه‌هایی نو، کاری بنیادین در شناختن و ساختن تجدّدی ایرانی است. خواست ما در اینجا بازخوانی نوشته‌های

۶. عباس میلانی، تجدّد و تجدّدستیزی در ایران، (تهران: اختران، ۱۳۸۷).

7. Harold Bloom, *Omens of the Millennium: The Gnosis of Angels, Dreams and Resurrection*, (New York, 1997).